

Edgar Knobloch, *Monument of Central Asia, A Guide to the Archaeology, Art and Architecture of Turkestan*, Tauris Publishers, London: 2002, 246pp.

نوشتن کتابی در مورد تمدن آسیای مرکزی بدون تحمل بعضی از تنگناها و داشتن بعضی محدودیتها چه در مورد منطقه و چه دوره‌هایی معین از تاریخ و چه موضوع مورد تحقیق تقریباً هدفی غیر عملی می‌باشد. این محدودیتها به جهات زیر می‌باشند:

اول، منطقه آسیای مرکزی دارای مرزهای قطعی نبود اگرچه هسته مرکزی آن سرزمین بود که قبلاً ترکستان روسیه نامیده می‌شود ولی حوزه نفوذ فرهنگی اش در دوره‌هایی، بسیار فراتر از مرزهایش گسترده گشت، به عبارتی گستردگی این حوزه تمدنی از سوئی تا ولگا و از سوئی تا گنگ و حاشیه‌های چین وسعت می‌یافت.

دوم، تاریخ این سرزمین یکی از پیچیده‌ترین و سیالترین تاریخها می‌باشد و هنوز بدون یک معرفی تاریخی هرگونه اظهار نظر مراجع به هنر و تمدن این منطقه غیر علمی و خالی از معناست. نه تنها تاریخ آسیای مرکزی حدود ۲۵۰۰ سال را دربرمی‌گیرد بلکه قبایل صحرائشینی که اغلب نقش کلیدی در این منطقه ایفا کردند دارای تاریخچه‌های نوشته از خودشان نیستند. هر بخش از اطلاعاتی درباره آنان

می‌بایست با سعی بسیار از منابع مکتوب پراکنده به زبانهای یونانی، عربی، روسی، چینی و فارسی جمع‌آوری، تلفیق و ترکیب گردند. اختلافات در زبانها، متون، اسناد، سالنماها، تلفظها، ترجمه‌ها و تفسیرها تمامی تحقیقها و ممیزهای نوشته‌های گوناگون را مشکل می‌گرداند. همچنین، انتخاب نوشته‌های احیاناً متضاد در مورد وقایع و مسائل تاریخی منطقه از منابع مختلف می‌بایست با احتیاط بسیار انجام شود.

چهار مورد تاخت و تاز اصلی طرح و قواره فرهنگی منطقه را تغییر داده‌اند: تهاجمهای یونانیها، اعراب، مغولها و روسها.

بیشتر مورخان تاخت و تاز مغولها و تهاجم اعراب را به عنوان مانعی برای مطالعات خود مطرح می‌نمایند. طرح و خلاصه کردن تحولات منطقه در فاصله زمانی ده تا بیست قرن قبل هدف پرمخاطره‌ای است.

کتاب آثار تاریخی آسیای مرکزی به سه بخش کلی تقسیم می‌شود:

بخش اول به خواننده اطلاعاتی راجع به ماهیت و موقعیت کشورهای منطقه و تاریخ و تمدن آنها به طور خیلی خلاصه ارائه می‌کند. این بخش سرزمین وسیع آسیای مرکزی، مردم، نوع معماری، جاده ابریشم با تأکید بر شهرهای بخارا، سمرقند، مرو، اورگنج و خیوه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در آغاز بخش اول با دیدی گسترده، وسعت حوزه مورد مطالعه را چنین تعریف می‌نماید:

«آن بخش از آسیای مرکزی که توسط رودخانه‌های آمودریا و سیردریا، دریاچه آرال و کوههای تین‌شان محدود و محصور شده یک منطقه فرهنگی شبیه به هم نبوده است. آسیای مرکزی از زمانهای قدیم دیگ هفت جوشی از ملیتها و فرهنگهای گوناگون محسوب می‌گردید.

تجارت، مذاهب، و دیگر جریانهای فرهنگی مسیرهای مشخص را دنبال کردند؛ آبادیها و

نواحی صحنه‌های کوچ قبایل چادر نشین بودند. ساکاها^۱، کوشانها^۲، هونها^۳، ایلات گوناگون ترک، مغولها و بسیاری دیگر از نژادها از این راه عبور نمودند. همچنین، آسیای مرکزی نقطه کانونی نفوذ از طرف یونان، ایران، هندوچین بود.

از نظر جغرافیایی، منطقه مورد بحث را می‌توان به چهار ناحیه تقسیم کرد: جلگه وسیع، گرم، خشک و سوزان در شمال که این جله وسیع در سمت راست و چپ سیردریا قرار دارد؛ منطقه بیابان ماندی در بخش پایینی سیردریا؛ بیابانی در سمت چپ آمودریا بنام قرا قوم^۴ یا سرزمینی با شنهای سیاه و بالاخره در ساحل راست قزل قوم^۵ یا سرزمینی با شنهای سرخ با قسمتهایی مشخص در دره فرغانه و شرق زرافشان و کوههایی که شامل سلسله کوههای تین‌شان، آلابی^۶، ترانزالای^۷، پامیر با کوههای با ارتفاع کمتر به موازات زرافشان و جنوب سمرقند می‌گردند.»

بخش دوم کتاب مذکور مناطق تاریخی به طور مشخص و آثار تاریخی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. این بخش شامل: خوارزم، دره زرافشان، ترکمنستان، آمودریا و جنوب تاجیکستان، سیردریا و دره فرغانه، قزاقستان و قرقیزستان می‌باشد.

بخش سوم کتاب آثار تاریخی آسیای مرکزی دارای عناوین: تاریخ، ارومچی، تورفان^۸، کوچا و تون - هانگ^۹ به کاشغر است.

بخش چهارم کتاب مذکور آثار تاریخی افغانستان را تشریح می‌نماید. همچنین، در این بخش تاریخ سلسله‌های حاکم در فرون گذشته در افغانستان ذکر می‌گردد، برای نمونه، در صفحه ۲۲۰ کتاب مذکور می‌خوانیم: «سامانیان در سال ۹۶۱ میلادی کنترل خود را بر غزنین کامل نمودند وقتی که یکی از فرماندهان سامانی در خراسان بنام الپتکین (تکین یک عنوان ترکی

1. Scythians

3. Huns

5. Kyzyl Kum

7. Transalai

9. Tun-Huang

2. Kushans

4. Kara Kum

6. Alai

8. Turfan

می‌باشد که به نام برخی امرا و حکام افزوده می‌گشت) با بیرون راندن آخرین فرمانروای هندوشاهی^۱ خود را فرمانروای کل خراسان نامید. از آن پس، قدرت سامانیان رو به ضعف نهاد و حاکمیت و دفاع از استانهای دور افتاده به سربازان و غلامان اجیر ترک واگذار شده بود که فرماندهان معتقد بودند افرادی توانا و قابل می‌باشند. آنان خلفای بغداد را الگو قرار دادند و بدین ترتیب سلسله غزنویان اقتدار بدست گرفتند. الپتکین از طرف گروهی از حکام ترک مورد تعقیب قرار گرفت تا اینکه در سال ۹۷۷ قدرت بدست سبکتکین رسید. سبکتکین بیست سال حکومت کرد و پس از وی مسنترین پسرش محمود تمامی استانها را مسخر نمود. بالاخره، با انقراض سلسله سامانیان در ۹۹۹ میلادی خود را حاکم بلامنازع غزنین بوست، هرات و ترمز خواند. بقیه خراسان بزرگ یعنی مرو و نیشابور نیز زیر کنترل سلطان محمود قرار گرفتند.

نکته بسیار مهم ترسیم نقشه‌های گوناگون آسیای مرکزی مربوط به زمانهای مختلف در کتاب می‌باشد که بسیار قابل استفاده است. این نقشه‌ها حدود و مشخصات امپراطوری چنگیزخان، امپراطوری تیمور، خوارزم، و طول مسیرهایی که رودهای آمودریا و سیردریا طی می‌کنند را با دقت بسیار نمایش می‌دهند.

همچنین، بیش از پنجاه عکس رنگی و سفید و سیاه‌گنبدها، مساجد، ارکها، قلعه‌ها، کاروانسراها، واحه‌ها، سردرها، مقابر، آرامگاهها، و دیگر هنرهای تاریخی منطقه آسیای مرکزی کتاب را مزین نموده و بسیار دیدنی می‌باشند. گفتنی است که این عکسها شامل آثار تاریخی قبل از اسلام در این منطقه نیز هستند.

در پایان باید گفت مطالعه کتاب آثار تاریخی آسیای مرکزی برای هر محقق مسائل آسیای مرکزی به لحاظ اطلاعات بسیار گسترده راجع به زمینه‌های اجتماعی و مذهبی ایجاد این آثار تاریخی مفید می‌باشد.

قاسم ملکی - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز